

## Investigating the Legal-Economic Challenges of the Arbitration System in Iran's Legal System

Saeid Yektaei<sup>1</sup>, Yousef Darvishi Hoveyda<sup>2\*</sup>, Mohammad Hossein Erfan Maneshi<sup>3</sup>

1. PhD Student in Private Law, Law Department; Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages:155-170

Article history:

Received: 12 May 2024

Edition: 12 Jul 2024

Accepted: 29 Aug 2024

Published online: 27 Sep 2025

### Keywords:

Arbitration System, Arbitration Award, Dispute Resolution, Legal Challenges, Economic Challenges.

### Corresponding Author:

Yousef Darvishi Hoveyda

### Address:

Iran, Tehran, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Department of Jurisprudence and Law.

### Orchid Code:

0009-0001-2320-3850

### Tel:

09122974129

### Email:

yousefdarvishihoveyda@yahoo.com

### ABSTRACT

**Background and purpose:** The aim of this article is to examine the economic legal challenges of the arbitration system in Iran's legal system.

**Materials and Methods:** This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used to collect materials and data.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

**Findings:** The findings showed that the legal challenges of the arbitration system in Iran's legal system can be dealt with in two parts: the challenges of conducting arbitration (including the proceedings until the issuance of the arbitration award) and the challenges of implementing arbitration.

**Result:** Based on this, the problems of the arbitration institution in Iran's judicial system, which has been marginalized (the limits of arbitration jurisdiction), are as follows: 1) The internal laws of Iran have been very briefly addressed to the arbitration institution, and even the constitution In order to deal with grievances (crimes), it has only referred to the judicial authorities, and the lack of reference to the arbitration institution in the constitution has added to the scope of this isolation. 2) On the other hand, due to the as a method of resolving disputes in our society is felt more and more strongly day by day. 3) The arbitration system in Iran has many weak points due to incomplete and ambiguous laws, and the lack of acceptance by society to resolve disputes from this system

Cite this article as:

Yektaei, S; Darvishi Hoveyda, Y; Erfan Manesh, M-H. *Investigating the Legal-Economic Challenges of the Arbitration System in Iran's Legal System* Economic Jurisprudence Studies. 2025.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

### بررسی چالش‌های حقوقی - اقتصادی سیستم داوری در نظام حقوقی ایران

سعید یکتائی<sup>۱</sup>، یوسف درویشی هویدا<sup>۲\*</sup>، محمدحسین عرفان منش<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق؛ واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** داوری در ایران آن‌گونه که باید کارآمد نیست. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی چالش‌های حقوقی اقتصادی سیستم داوری در نظام حقوقی ایران است.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد چالش‌های حقوقی سیستم داوری در نظام حقوقی ایران در دو بخش چالش‌های انجام داوری (شامل رسیدگی تا صدور رأی داوری) و چالش‌های اجرای داوری قابل رسیدگی است.

**نتیجه:** نتیجه اینکه بر این اساس مشکلات نهاد داوری در سیستم قضایی کشور ایران که به حاشیه رانده شده است (حدود صلاحیت داوری) به شرح زیر است: (۱) قوانین داخلی کشور ایران به صورت خیلی خلاصه به نهاد داوری پرداخته شده است و حتی قانون اساسی جهت رسیدگی به تظلمات (جرم و جنایات)، صرفاً به مراجع قضایی اشاره نموده است و عدم اشاره به نهاد داوری در قانون اساسی به دامنه این انزوا افزوده است. (۲) از سوی دیگر به دلیل افزایش روزافزون پرونده‌ها نزد مراجع قضایی، نیاز به استفاده از سیستم داوری به عنوان یک روش حل و فصل اختلافات در جامعه ما روز به روز با شدت بیشتر احساس می‌شوند. (۳) سیستم داوری در ایران به دلیل قوانین ناقص و مبهم، دارای نقاط ضعف عدیده‌ای می‌باشد و همین مسأله باعث نارسایی‌ها و عدم استقبال افراد جامعه برای حل و فصل اختلافات از این سیستم شده است.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۵۵-۱۷۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

#### واژگان کلیدی:

سیستم داوری، رأی داوری، حل و فصل اختلافات، چالش‌های حقوقی، چالش‌های اقتصادی.

#### نویسنده مسئول:

یوسف درویشی هویدا

آدرس پستی:

ایران، تهران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، گروه فقه و حقوق.

تلفن:

09122974129

کد ارکید:

0009-0001-2320-3850

پست الکترونیک:

yousef.darvishihoveyda@yahoo.com

## ۱. مقدمه

داوری در حقوق ایران به سال ۱۳۲۹ در قانون اصول محاکمات حقوقی در مواد ۷۵۷ تا ۷۷۹ بر می‌گردد. در قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۱۸ مواد ۶۳۲ به بعد و در قانون جدید مصوب ۱۳۷۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مواد ۴۵۴ به بعد به داورى اختصاص یافته است. در قانون فعلی ایران، قوانین داورى شامل مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین قانون داورى تجارى بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ می‌باشد. در ایران بعد از تصویب قانون داورى تجارى بین‌المللی، داورى داخلی و داورى بین‌المللی از یکدیگر متمایز شدند علی‌رغم اینکه داورى به عنوان یکی از راه‌های حل و فصل اختلافات است که مزایای زیادی نیز در مقایسه با حل و فصل اختلافات از طریق سیستم قضایی به همراه دارد ساختار حقوقی داورى در ایران به گونه‌ای می‌باشد که گاهاً در ارجاع دعوی و اختلافات به داورى، با موانع و مشکلاتی در نظام حقوقی و قضایی مواجه می‌شویم. موضوعاتی وجود دارد که از نظر سیستم‌های حقوقی قابل ارجاع به داورى نیستند یا قانونگذار شرایط خاصی برای ارجاع به داورى مقرر نموده است. بنابراین آزادی اراده طرفین در رجوع به داورى با محدودیت‌هایی روبروست. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که چالش‌های حقوقی-اقتصادی سیستم داورى در نظام حقوقی ایران کدام است؟ فرضیه مقاله نیز عبارت است از اینکه «سیستم داورى در ایران به دلایلی از جمله عدم توجه جدی قانون‌گذار و وجود قوانین ناقص و مبهم در سیدگی به حل و فصل اختلافات ناکارآمد است». به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا به بررسی داورى در

نظام حقوقی ایران پرداخته شد و در ادامه از چالش‌های حقوقی-اقتصادی سیستم داورى در نظام حقوقی ایران بحث شده است.

## ۵. بحث

## ۵-۱. داورى در نظام حقوقی ایران

در مورد داورى، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، مواد ۴۵۴ الی ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی به عنوان قوانین داورى داخلی، دارای اعتبار می‌باشد طبق این قانون «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد به داورى یک یا چند نفر ارجاع دهند». داورى معمولاً به عنوان یک حوزه، منحصرأً برای حقوق خصوصی در نظر گرفته می‌شود. قرارداد داورى همانند سایر قراردادهای باید موضوع داشته باشد و به طور اجمالی باید مشخص شود که موضوع چیست که می‌تواند اختلافی باشد که از قبل حادث شده است و یا روابط حقوقی مشخصی است که احتمال دارد در آینده منشاء اختلاف شوند. اگر بین طرفین نه اختلافی باشد و نه رابطه حقوقی پس تصور قرارداد داورى منتفی است زیرا به خاطر نبود موضوع، فاقد یکی از شرایط صحت معاملات است. ولی همین‌که اجمالاً یک رابطه حقوقی باشد و یا حادثه‌ای رخ دهد (غیر قراردادی) می‌توان به داورى ارجاع داد. هرچند می‌بایست قابلیت ارجاع به داورى را هم داشته باشد. اصل بر این است که همه روابط حقوقی قابل ارجاع به داورى هستند اما در همه نظام‌های حقوقی مواردی هستند که داورى پذیر نیستند به طور مثال ماده ۴۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی دعوی ورشکستگی را چون مربوط به نظم

یکدیگر تفکیک آن‌ها ممکن نباشد یا چنانچه ضمن رسیدگی داور، ادعای جعل و تزویر با تعیین جاعل و امکان تعقیب وی مطرح شود، چنین موضوعاتی از موارد غیر قابل رسیدگی توسط داور محسوب می‌گردد» (امیرمعزی، ۱۳۹۱، ۵۳۵). با این حال، ناگزیر، برخی از موضوعات کیفری و ادعاها ممکن است به روند داوری خزش کنند. در ادامه به انواع داوری در نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان بر اساس موضوع داوری پرداخته می‌شود. بر این اساس موضوعات غیرقابل ارجاع به داوری به شرح زیر است: (۱) دعوی ورشکستگی البته باید توجه داشت که صدور حکم ورشکستگی قابل ارجاع به داور نیست اما داور دعوی راجع به شخص ورشکسته قابل ارجاع به داوری است. (۲) اصل نکاح: شامل دعوی اثبات رابطه زوجیت بطلان نکاح و انفساخ نکاح می‌شود. (۳) فسخ نکاح (۴) طلاق: که شامل دعوی درخواست حکم طلاق و درخواست گواهی عدم امکان سازش است توجه داشته باشید که در دعوی راجع به حضانت ملاقات نفقه زوجه و اقارب اجرت المثل ایام زوجیت و جهیزیه، استرداد جهیزیه قابل ارجاع به داوری است. (۵) نسب: که شامل دعوی اثبات نسب و نفی ولد می‌شود. (۶) جرایم رسیدگی به جرم حتی جرایم قابل گذشت قابل ارجاع به داوری نیست. (۷) امور حسبی قابل ارجاع به داوری نیست.

قانون آیین دادرسی مدنی ایران مشتمل بر ۵۲۸ ماده در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۲۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسید. مطابق با ماده ۴۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران «کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاه‌ها طرح شده یا نشده باشد و در صورت طرح در هر مرحله

اقتصادی است قانونگذار ترجیح داده فقط در محاکم دادگستری بدان رسیدگی شود و غیر قابل ارجاع به داوری است. همچنین دعاوی راجع به اصل نکاح و طلاق و نسب نیز قابل ارجاع به داوری نیستند. هر چند در خصوص برخی دعاوی تردید است که می‌توان به داوری ارجاع داد یا خیر مثلاً دعاوی کارگر و کارفرما یا دعاوی مربوط به حقوق مالکیت فکری و دعوی ابطال اسناد رسمی و همچنین دعاوی که در صلاحیت مراجع شبه قضائی یا در صلاحیت مراجع اختصاصی هستند را می‌توان یا نمی‌توان به داوری ارجاع داد. می‌توان گفت که اصل بر قابل ارجاع بودن دعوا به داوری است مگر جایی که قانونگذار صریحاً منع کرده باشد زیرا داوری مبتنی بر خواست و اراده طرفین است و می‌بایست بر اراده طرفین احترام گذاشت و بی اثر کردن اراده طرفین نیاز به نص دارد و نمی‌توان با تفاسیر کلی، اراده طرفین را بی اثر دانست.

«برخی از دعاوی به لحاظ ماهیت موضوع ارجاع شده به داوری قابل ارجاع به داوری نیستند. قانونگذار این استثنائات را در ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی مدنی درج نموده است. به عنوان مثال دعاوی مربوط به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، تولیت، وقف، نسب و دعاوی مربوط به ورشکستگی از این قبیل دعاوی هستند. همچنین رسیدگی به امور کیفری نیز از صلاحیت داوری خارج بوده و باید در دادگاه‌ها طرح و رسیدگی شوند. همچنین با تأمل در سایر مواد قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه می‌شود که قانونگذار موضوعات دیگری را نیز غیر قابل داوری (داوری ناپذیر) می‌داند. بر اساس ماده ۴۷۸ و مفهوم مخالف ماده ۴۷۹ در صورتی که دعوی جزایی با موضوعی مدنی به نحوی آمیخته باشد که از

از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند».

«دولت جمهوری اسلامی ایران درصدد تهیه قانون جدیدی برای داوری تجاری بین‌المللی برآمد و لایحه‌ای زیر عنوان قانون داوری تجاری بین‌المللی به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد که بدون دشواری زیاد در ۲۶ شهریور ۱۳۷۶ به تصویب مجلس و در ۹ مهر همان سال به تأیید شورای نگهبان رسید. تصویب چنین قانونی به ویژه از آنجا لازم می‌نمود که مقررات آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ در زمینه داوری (مواد ۶۳۲ تا ۶۸۰) که از قانون آیین دادرسی پیشین فرانسه گرفته شده بود، حدود شصت سال از عمرش گذشته و در این مدت تحول چشمگیری در مقررات داوری ملی و بین‌المللی پدید آمده است. گرایش‌ها و اندیشه‌های جدیدی در حقوق داوری‌ها شکل گرفته که در قدیم مطرح یا مورد قبول نبوده است. از این رو مقررات داوری قانون آیین دادرسی مدنی، کهنه و ناقص و خصوصاً نامناسب برای داوری بازرگانی بین‌المللی است» (قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶: مواد ۶۳۲ الی ۶۸۰).

«تهیه‌کنندگان لایحه قانون داوری تجاری بین‌المللی الگوی خوب و جالبی در اختیار داشتند که عبارت از «انون نمونه داوری بازرگانی بین‌المللی آنسیترال بوده است. قانون داوری تجاری بین‌المللی، مانند قانون نمونه آنسیترال، مشتمل بر ۳۶ ماده است و فصل‌بندی آن مشابه فصل‌بندی قانون نمونه است، با این تفاوت که قانون داوری تجاری بین‌المللی دارای نه فصل و قانون نمونه آنسیترال متضمن هشت فصل است. در هشت فصل اول قانون ایران با بهره‌گیری از قانون نمونه، از مقررات عمومی، موافقت نامه

داوری، ترکیب هیأت داوری، صلاحیت داور، نحوه رسیدگی داوری، ختم رسیدگی صدور رأی، اعتراض به رأی و اجرای رأی سخن به میان آمده و فصل نهم قانون زیر عنوان سایر مقررات مشتمل بر یک ماده (ماده ۳۶) است که در سه بند قلمرو اجرایی قانون را مشخص کرده است. برابر بند ۵ ماده یادشده قلمرو اجرای قانون جدید محدود به داوری تجاری بین‌المللی است و این گونه داوری از شمول قواعد داوری مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین و مقررات مستثنی است. معیار بین‌المللی بودن داوری از نظر ق. د. ت. ب. آن است که یکی از طرفین در زمان انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قوانین ایران تبعه ایران نباشد (بند ب ماده ۱). این تعریف قلمرو داوری بین‌المللی مشمول قانون را بسیار محدود می‌کند» (شفیعی، ۱۴۰۱، ۴۶۵).

## ۵-۲. چالش‌های حقوقی داوری در نظام

### حقوقی ایران

در این قسمت به بررسی چالش‌های حقوقی داوری در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود. این چالش‌ها عبارتند از:

## ۵-۲-۱. چالش‌های مربوط به داوران در

### اجرای داوری

همانگونه که می‌دانیم داوری ناظر به حل مسالمت‌آمیز اختلافات است و یکی از دلایل پذیرفتن این شکل حل و فصل خصومات، سادگی و عاری از تشریفات بودن داوری است ولی در عین حال این به آن معنا نیست که داوران در رسیدگی و مذاکرات و نهایتاً صدور رأی خود، تابع هیچ اصولی نباشند و صرفاً به تبعیت از عدالت و نصفت رأی بدهند بلکه، باید حتماً هم در رسیدگی‌ها و طی جلسات مذاکرات و هم در موقع

یا همسرانشان یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوی (اختلاف) یا زوجه یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند. (۸) کارمندان دولت در حوزه مأموریتشان».

همچنین در ماده ۴۶۶ و ماده ۴۷۰ بعضی اشخاص از انتخاب به عنوان داور ممنوع شده‌اند که عبارتند از: «(۱) اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند. (۲) اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه یا در اثر آن از داوری ممنوع شده اند. (۳) کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی».

علاوه بر موارد مذکور، «ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی، کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی را از داوری منع کرده است این امر شامل قضات و کارمندان در حال تعلیق از خدمت و کارمندان و قضات در حوزه‌های قضایی دیگر نیز می‌شود. اما کارمندان شاغل در دستگاه دیگر و یا بازنشسته دادگستری و همچنین کارکنان قراردادی و روزمزد از قاعده مذکور در ماده فوق‌الذکر مستثنی می‌باشند. نکته قابل ذکر در این زمینه اینست که کارمند اداری مذکور در ماده تنها کارمندان شاغل در محاکم دادگستری است» (رضایی، ۱۳۹۵، ۲۷).

از مهم‌ترین چالش‌های مطرح در خصوص داوران در نهاد داوری تعداد آنها می‌باشد. «در مواردی که گروهی بودن داوری پذیرفته شده است ترکیب هیأت داوری از دو جهت جای بحث دارد. بحث اول مربوط به زوج و فرد بودن اعضاء هیأت داوری است. در بعضی از کشورها عینی داوران ضرورتاً به عدد فرد است و تعیین داور به عدد زوج موجب باطل شدن قرارداد داوری است. در برخی از

صدور رأی و نظر خود به عنوان داور، اصول و موازینی را رعایت بنمایند تا رأی آنها قابلیت اجرا و اعمال داشته باشد. به هر حال رأی داور باید متضمن شرایطی باشد تا معتبر و لازم‌الاجرا گردد و گرنه اگر حائز این شرایط نباشد قابلیت اجرا و اعمال را نخواهد داشت و در این صورت تمام اقدامات و صرف وقتی که برای امر داوری و حل مسالمت آمیز اختلافات طرفین شده عبث و بیهوده خواهد بود (سلیمیان و همکاران، ۱۳۹۴، ۱). «گرچه طرفین می‌توانند در توافقی که به صورت شرط داوری منعقد می‌شود نیز داور، یا داوران را تعیین و یا ترتیب انتخاب آنها را پیش بینی نمایند اما در حقوق ایران پیش بینی نکردن این امر موجب بطلان شرط نخواهد بود. در حقوق ایران چنانچه داور در توافق نامه‌ای که به صورت شرط ضمن عقد منعقد می‌شود تعیین شده باشد، موافقت داور به داوری شرط صحت نمی‌باشد» (ماده ۴۵۹ قانون دادرسی مدنی).

طبق ماده ۴۶۹ قانون آیین دادرسی مدنی بعضی اشخاص هستند که تنها با تراضی طرفین می‌توانند به عنوان داور انتخاب شوند که عبارتند از: «(۱) کسانی که سن آنان کمتر از ۲۵ سال تمام باشد. (۲) کسانی که در دعوی یا اختلاف ذی‌نفع باشند. (۳) کسانی که با یکی از اصحاب دعوی قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند. (۴) کسانی که خود یا همسرانشان وراثت یکی از طرفین باشند. (۵) کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوی هستند یا یکی از اصحاب دعوی مباشر امور آنان باشد. (۶) کسانی که با یکی از اصحاب دعوی یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند. (۷) کسانی که خود

آنها مؤید این است که در بطن هیأت داور، داوران ممکن است سمت‌های متفاوتی داشته باشند. در عمل رئیس هیأت داور (داور رئیس) از نظر ماهوی و قضایی با سایر داوران تفاوت دارد و در صورت ائتلاف نظر به صورت داور منفرد رأی صادر می‌کند و سازماندهی داور را بر عهده دارد. در بند یک ماده ۲۵ قواعد داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی مقرر شده است که: در مواردی که مرجع داورى مرکب از بیش از یک داور است، رأی داور با اکثریت آراء صادر می‌شود. در صورتی که اکثریت حاصل نشود، رئیس مرجع داورى به تنهایی رأی صادر می‌کند» (امیرمعزی، ۱۳۹۱، ۵۳۵).

«در قواعد داورى آنسیترال نیز در موضوعات شکلی با اجازه دیوان داورى داور رئیس اتخاذ تصمیم می‌کند ولی دیوان حق تجدید نظر دارد. در قانون داورى تجاری بین‌المللی در چند مورد به وجود سرداور اشاره ولی مشخص نشده است که نقش سرداور چیست فقط در قسمت دوم بند ۷ ماده ۹۹ به دادگاه تکلیف شده است که: در هر صورت سرداور را باید از اتباع کشور ثالث انتخاب نماید ولیکن تعیین داور طرف ممتنع از بین اتباع کشور متبوع طرف دیگر مجاز نیست اصول داور ثالث (داور فرد) از نظر ماهوی و شکلی با سایر داوران ارزش برابر دارد و در صورت ائتلاف نظر در هیأت داورى برای ایجاد اکثریت دخالت می‌کند. داور علی‌البدل در شرایط عادی جزء هیأت داورى نیست فقط در مواردی وارد هیأت می‌شود که علیرغم الزامی بودن یکی از داوران اصلی در دادگاه داورى حضور نمی‌یابد و عدم حضور او موجب اطاله دادرسی و از دست رفتن فرصت و اتلاف وقت است» (بهبهانی، ۱۳۹۵، ۲۴).

کشورهای دیگر در صورت تعیین داور زوج دادگاه داور دیگری اضافه می‌کند و بالاخره در بعضی دیگر مشکلی بوجود نمی‌آید. در این بخش مهم‌ترین چالشی که مطرح می‌شود در خصوص تعداد داوران است که اگر تعداد داوران تعیین نشده باشد چه باید کرد؟ در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد. چنانکه در بعضی از کشورها اگر در قرارداد داورى اسامی داوران ذکر نشده باشد و یا حداقل روشی برای مشخص نمودن آنها پیش‌بینی نشده باشد قرارداد محکوم به باطل شدن است. در بعضی دیگر از کشورها در صورت سکوت قرارداد داورى دادگاه می‌تواند ترکیب دادگاه داورى را خود تعیین نماید» (مطابق قواعد داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی «چنانچه طرفین در مورد تعداد داوران توافقی نکرده باشند دیوان یک نفر را به عنوان داور منفرد منصوب خواهد کرد مگر اینکه به نظر دیوان اختلاف مطروحه طوری باشد که نصب سه نفر داور را اقتضاء کند» (بند ۲ ماده). در قانون داورى تجاری جمهوری اسلامی ایران نیز «تعیین تعداد داوران بر عهده طرفین اختلاف گذاشته شده است در صورت عدم تعیین هیأت داورى مرکب از سه عضو خواهد بود و در صورت عدم توافق توسط دادگاه تعیین خواهند شد» (ماده ۹۱ و ۹۹).

«چالش دیگر قابل طرح در خصوص داور و جایگاه آن این است در مواردی که اصل گروهی بودن داورى قبول می‌شود، که آیا داوران در بطن گروه از نظر شکلی و ماهوی برابر هستند؟ در تحلیل این چالش می‌بایستی یادآور شد که در داورى گروهی اصطلاحاتی مانند داور ساده یا داور سوم یا داور رئیس و سرداور و یا داور علی‌البدل دیده می‌شود. این اصطلاحات اگر چه استاندارد شده و یکنواخت مورد استفاده قرار نمی‌گیرد ولی وجود

رسیدگی به این درخواست ایراد عدم صالحیت میکنند. به این استناد که ماده ۳۱۱ ق.آ.د.م. قاعده‌های عام است و مرجع صالح برای درخواست دستور موقت را دادگاهی می‌داند که اصل دعوا در آنجا مطرح است. با بیان شرایط، نه دادگاه و نه دیوان داورى نوعاً به چنین درخواستی رسیدگی نمی‌کنند.

## ۵-۲-۲. چالش‌های قلمرو داورى در نظام حقوقى ایران

«متخصصان حقوق اسلامی در مورد قلمرو داورى اتفاق نظر ندارند. برخی از فقها برای موضوعات قابل داورى محدودیتی قائل نیستند. عده‌ای از فقهای شیعه استدلال می‌کنند هر چه دعواى طرفینی بر سر آن متصور و ممکن باشد از مسائل مالی گرفته تا نکاح و قصاص و حدود و غیر آن، قابل ارجاع به داورى است زیرا مقتضى ارجاع در آنها موجود است و عموم ادله و اخبار جواز و نفوذ تحکیم نیز، آنها را در بر می‌گیرد» (نجفی، ۱۳۹۸، ج ۴، ۲۷)؛ ولیکن در نظام حقوقى ایران در خصوص قلمرو موضوع داورى محدودیت‌های قائل شده‌اند: «قانونگذار این استثنائات را در ماده ۴۷۸ قانون آئین دادرسی مدنی درج نموده است. به عنوان مثال دعواى مربوط به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، تولیت، وقف، نسب و دعواى مربوط به ورشکستگی از این قبیل دعواى هستند. همچنین رسیدگی به امور کیفرى نیز از صلاحیت داورى خارج بوده و باید در دادگاه‌ها طرح و رسیدگی شوند. همچنین با تأمل در سایر مواد قانون آیین دادرسی مدنی ملاحظه می‌شود که قانونگذار موضوعات دیگری را نیز غیر قابل (داورى ناپذیر) می‌داند. بر اساس ماده ۴۷۸ و مفهوم مخالف ماده ۴۷۹ در صورتی که دعواى جزایی با موضوعی مدنی به نحوی آمیخته باشد که از

از خلاءهای قانونی سیستم حقوقى ایران درباره داورى می‌توان به خلاءهای قانون در باب صدور دستور موقت و تأمین خواسته اشاره کرد. مطابق با قانون آئین دادرسی مدنی سخن از چنین حقی برای داور وجود ندارد و در قانون تجارت بین‌المللی داورى نیز در جاهایی با حذفی از قانون آنسیترال روبه‌رو هستیم که به نوعی سبب ابهام مضاعف شده است. در ماده ۹ قانون مذکور بیان شده است که هر یک از طرفین قیل یا حین رسیدگی داورى، می‌تواند از دادگاه قرار صدور دستور موقت را درخواست کند. این ماده که ترجمه قانون آنسیترال نیز است با تغییراتی تصویب شده است. تأمین خواسته در آن حذف شده است، صدور دستور موقت باید از طریق دادگاه صورت پذیرد و اختیاری به داور در این باب داده نشده است و خود این امر منجر به ضعف شده است. در همین راستا صفایی برای پوشش دادن چنین ضعف‌هایی با تفسیری قانونی سعی بر رفع معضلات کرده است. ایشان حضور دستگاه دولتی تا حدود انجام مهروموم بهنحو قانونی و حمایت از داوران در این باب را تا آنجا که منجر به دخالت قضایی نشود خوب می‌داند و دستور موقت قانون مذکور در مواد ۹ و ۱۷ را دستور موقتی حمایتی دانسته است و شامل هر دو مورد تأمین خواسته و دستور موقت قانونی. بنابراین یکی از خلاءهای موجود در قانون آئین دادرسی مدنی، عدم تصریح امکان صدور دستور موقت از جانب دادگاه یا دیوان داورى است. در شرایط کنونی، این عدم تصریح موجب شده است تا از یکسو، در عمل، داوران نتوانند چنین قراری صادر کنند؛ از سوی دیگر، حتی زمانی که طرفین برای مطرح کردن چنین درخواستی به دادگاه مراجعه می‌کنند، غالب دادگاه‌ها نیز به راحتی برای

اسناد طرفی که اسناد را مکتوم کرده است. قانونگذار آئین دادرسی مدنی ایران بدون توجه به موارد ذکر شده و عدم تصریح به ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد الزم برای کارشناسی سبب ناکارآمدی نهاد داوری در حقوق ایران شده است. هرچند در ماده ۲۵ قانون داوری تجاری بین‌المللی در مورد لزوم ارائه اسناد سخن گفته است؛ درباره ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد مورد نیاز کارشناس اشاره‌ای نکرده است.

### ۵-۲-۳-۱. چالش‌های اعتبار رأی داوری در

#### نظام حقوقی ایران

رأیی که داور صادر می‌کند و حرف و نظر داور یا داوران ملاک عمل قرار می‌گیرد و محترم شمرده می‌شود. یعنی اگر در قراردادی شرط داوری گنجانده شده باشد که به داور ارجاع شود داور تصمیم می‌گیرد و نمی‌توان در دادگاه در مورد موضوع مطرح شده طرح دعوا کرد. در صورتی که در یک قرارداد، طرفین حل اختلافات خود را به نهاد داوری ارجاع داده باشند ولی به جای طرح دعوا نزد داور به محاکم دادگستری مراجعه کنند با قرار رد دعوا مواجه می‌شوند. البته این امر مانع این نیست که طرفین نتوانند به هر دلیلی ابطال رأی داور را از محاکم تقاضا کنند.

«آنچه در نظام حقوقی ایران به نوعی خط قرمز محسوب می‌گردد، مقوله نظم عمومی بوده و عمده جهات ابطال رأی داور، مبتنی بر همین جهت می‌باشد. در این موارد قانون لازم می‌داند که رأی داور از دهلیز پایش دادگاه عبور نماید تا پس از تصفیه و حذف زوائد، امکان اجرای آن وجود داشته باشد یا به طور کلی بی‌اعتبار اعلام شود. لذا «اصل کنترل پذیری رأی داور و دخالت دادگاه، یکی از اصول پذیرفته شده در تمام نظام‌های حقوقی است که محدوده آن متفاوت

یکدیگر تفکیک آن‌ها ممکن نباشد یا چنانچه ضمن رسیدگی داور، ادعای جعل و تزویر با تعیین جاعل و امکان تعقیب وی مطرح شود، چنین موضوعاتی از موارد غیر قابل رسیدگی توسط داور محسوب می‌گردد» (قاسمی؛ اندرز؛ واحدی زاده، ۱۴۰۲، ۲۱) مهم‌ترین چالشی که در اینجا مطرح است این است که علی‌رغم تبعیت نظام حقوقی ایران از قوانین اسلامی چرا در خصوص قلمرو داوری بین فقها و آنچه که در نظام حقوقی و آیین‌نامه‌ها مطرح شده است اتفاق نظر وجود ندارد. از طرفی، یکی دیگر از ایرادهای وارده به داوری در ایران این است که قانونگذار ایران به دوراز فلسفه داوری، ارجاع داوری به کارشناسی را با توافق طرفین به موجب قوانین آئین دادرسی مدنی نادیده گرفته است و به موجب قانون داوری تجاری بین‌المللی چنین امری را فقط در مرحله دوم و در شرایط عدم انتصاب کارشناس توسط داور و آنهم به صورت منفرد لحاظ کرده است.

کارشناس فقط در امور موضوعی و آنهم فقط در موضوعی که به وی ارجاع شده است و نه درباره کل موضوع اختلاف می‌تواند اظهار نظر کند. گزارش کارشناس فقط جنبه اثباتی دارد و در نهایت داور است که مهر تأیید بر آن می‌زند یا اینکه صرف نظر از آن، حکم دیگری را صادر می‌کند. در همین راستا کارشناس صلاحیت دارد که تمامی اسنادی را که در پروسه داوری توسط طرفین ارائه شده است، از طرفین اختلاف تقاضا کند و همچنین هر آن چیزی را که در کشف حقیقت الزم است؛ بخواهد. ضمانت اجرای عدم ارائه اسناد گاهی منجر به عدم رسیدگی به درخواست خواهان کارشناسی می‌شود و در مواردی منجر می‌شود به اجازه کارشناس به اظهار نظر با توجه به شرایط موجود بدون توجه به

اندازه یک امور ابلاغ فرو خواهد کاست و تردید نباید نمود که دادگاه در مورد موارد بطلان ذاتی، سرخود می‌تواند با رد درخواست اجرا، عملاً اثری چون بطلان رأی را بر آن مترتب سازد. اگر پایش دادگاه‌ها بر آرای داوری بنا به مصالحی لازم است و در اصل لزوم وجود نظارت، در نظام حقوقی ایران، میزان و گستره این پایش محل گفت و گو است. در گذشته‌های دور، دادگاه‌ها بازبینی آرای داوری را در مرحله اجرا انجام می‌دادند. اگر دادگاه در می‌یافت که درخواست اجرا باید رد شود، این پایان داستان داوری و رأی آن بود» (عزیزیانی، ۱۴۰۱، ۱۸۲). «اما با گذر زمان و اقبال بیشتر به داوری و کاستن ناگزیر دولت از میزان مداخله خود در امور خصوصی مردم و از جمله داوری، شرایط به سود داوری تغییر کرد. امروزه نه نظریه منع پایش مطلق قضایی پذیرفته است و نه دست‌اندازی بیش از حد دادگاه‌ها در داوری، بلکه انتظار از دادگاه، پشتیبانی و حمایت از جریان داوری است. اصل عدم مداخله و استثنایی، حصری و مشخص بودن موارد مداخله دادگاه در رأی داوری، قابل دفاع است و نمی‌توان اختیاری گسترده برای دادگاه‌ها در دست‌اندازی بر آرای داوری قائل شد. تجویز بازنگری کامل و همه جانبه رأی داوری، به استناد اشتباهات داوران، رأی داوری را همانند احکام دادگاه‌های بدوی دادگستری در معرض رسیدگی تجدیدنظر و پژوهش در مراجع قضایی دولتی قرار می‌دهد و در نهایت تمام مزایای داوری از جمله سرعت و صرف هزینه کمتر و رهایی از تشریفات دست و پاگیر رسیدگی‌های قضایی از بین خواهند رفت و این برخلاف هدف و فلسفه داوری خصوصی می‌باشد؛ بنابراین شایسته است اصل «عدم مداخله» دادگاه‌ها در روند داوری، به شکل ماده‌ای

است» در داوری‌هایی که تماماً خارج از دادگاه صورت گرفته اند و هیچ مرجع دولتی یا قضایی بر آن نظارت نداشته است، باید برای دادگاه که مرجع ابلاغ رأی داور و صدور اجرائیه است، اطمینان نسبی از جریان صحیح داوری وجود داشته باشد تا بتواند موجبات اجرای آن را فراهم کند. دادگاه باید در تمام موارد با ملاحظه مفاد رأی داور و متن قرارداد داوری و به شرط عدم مشاهده یکی از موجبات بطلان اساسی در آن، دستور ابلاغ و اجرای آن را صادر کند» (انصاری؛ معبودی نیشابوری، ۱۳۹۸، ۱۷۹).

«چراکه اگر قائل بر هیچ سطحی از پایش قضایی نباشیم، امکان سوءاستفاده داوران وجود دارد و ممکن است موجب تضرر برخی اشخاص - خاصه افراد آسیب پذیرتر - گردد. در استقلال کامل هیئت داوری این خطر ذاتی وجود دارد که چنین هیئتی بدون هیچ سازکار نظارت قضایی، بسیار مستعد سوءاستفاده است. در برخی نظام‌های حقوقی از جمله ایران، آن چنان که برخی پژوهشگران برجسته داوری نوشته‌اند، پیوست یک نسخه از رأی و قرارداد داوری به درخواست اجرا ضروری دانسته شده است؛ که خود به نوعی امکان پایش دادگاه را مهیا و ممکن می‌سازد. اگر رأی داوری صادره آشکارا خلاف نظم عمومی بوده یا در موضوعی داوری‌ناپذیر صادر شده باشد یا اصول بنیادین دادرسی مانند حق دفاع و اصل تناظر رعایت نشده باشد، دستور اجرا صادر نخواهد شد. البته معمولاً در روبه، بازرسی کامل رأی را در چهارچوب رسیدگی‌های ابطال انجام می‌دهند. اگر امکان نظارت را برای دادگاه در مرحله ابلاغ و اجرای رأی قائل نباشیم و آن را به یک اقدام اداری کاهش دهیم، مقرر قانونگذار در این خصوص بیهوده می‌گردد و دادگاه را تا

به ابطال، داده‌گاه‌های تابع نظام حقوقی ایران با تکیه بر ماده ۴۸۸ قانون آیین دادرسی مدنی با درخواست محکوم‌له دستور اجرای رأی داور را می‌دهند و اعمال هرگونه نظارت به رسیدگی‌های مربوطه را باطل می‌دانند.

بنابراین یکی از چالش‌های موجود بر اجرای آراء داورى عدم وجود نهاد خاص برای اجرای احکام صادره توسط داور یا داوران می‌باشد. موسسات داورى با اینکه از استقلال نسبی برخوردارند در صدور آراء خود ولی در اجرای احکام خود محتاج اجرای احکام دادگستری می‌باشد. بدین صورت که پس از صدور آراء توسط داور یا داوران و قطعی شدن آراء در صورت عدم اعتراض حکم صادره می‌بایستی توسط اجرای احکام دادگستری اجرا شود. چالش دیگر در این خصوص نیز عدم وجود نهاد تجدیدنظر در خود موسسات داورى می‌باشد. بدین صورت که اگر به آراء داورى اعتراض شود می‌بایستی توسط قضات دادگستری بررسی و حکم صادر شود. همچنین چالش دیگر در اجرای آراء داورى مربوط به شرایط داورى بوده است به این ترتیب که داورى یا اختیاری است یا اجباری. که هر دو از نظر شرایط و صفات با هم متفاوت هستند. در داورى اختیاری با اینکه داور دارای شرایط و اهلیت نباشد باز احکام آن برای طرفین قابل اجرا و لازم‌الاجرا می‌باشد. ولی در داورى اجباری یا داور توسط موسسه داورى باید هم دارای اهلیت لازم و هم صفات لازم باشند که در صورت عدم شرایط مطروحه آراء صادره باطل می‌شود.

### ۳-۵. چالش‌های اقتصادی داورى در

#### نظام حقوقی ایران

یکی از شروط مهم داورى که در مقررات داورى اهمیت به سزایی دارد، بحث چالش‌های اقتصادی

مستقل در قوانین گنجانده شده و موارد امکان مداخله به عنوان جهاتی استثنایی منصوص گردند» (کریمی؛ پرتو، ۱۳۹۷، ۱۲۱).

### ۲-۳-۲-۵. چالش‌های اجرای رأی داور

#### در نظام حقوقی ایران

رای داورى مستظهر به قانون و مستند به توافق متداعیین می‌باشد بنابراین به محض صدور لازم الاجرا می‌باشد. اما مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی رأی داورى در صورت عدم اجرای اختیاری توسط متعامدین نیاز به ابلاغ یا الزام به اجرای رأی داورى توسط دادگستری می‌باشد. در این مواقع محکوم علیه ممکن است مدعی بطلان یا عدم قابلیت اجرا رای داورى باشد و یا شکایت ابطال رای داورى را مطرح کند. از آنجایی که روند رسیدگی دادگاه‌ها به شکایت از آراء داورى، می‌تواند در ایجاد رغبت یا عدم تمایل مردم به ارجاع اختلاف خود به داورى، موثر باشد؛ هر قدر نظارت قضائی، محدودتر و یکنواخت‌تر صورت گیرد، گرایش به داورى بیش‌تر خواهد شد؛ زیرا تقویت آراء داورى و تضمین اجرای آنها را در پی خواهد داشت. بالعکس، هر چه نظارت دادگاه‌ها بیش‌تر و سلیقه‌ای‌تر شود، آراء داورى هم بیش‌تر در معرض ابطال و تزلزل قرار می‌گیرد؛ نتیجه این‌که افزایش مراجعه به دادگاه‌ها و تراکم بیش از پیش دعاوی را در دادگستری وجود خواهد داشت (احمدی؛ رستمی‌فر، ۱۴۰۰، ۱). «از آنجا که رأی داور برخلاف حکم دادگاه از طرف دولت صادر نشده است و یک سند خصوصی به حساب می‌آید هم اجرای اجباری آن منوط به دستور دادگاه صالح است و هم دادگاه حق نظارت قضایی و ابطال آن را دارد» (دانای علمی، ۱۳۸۷، ۲). در عمل به دلیل وجود دو جریان رسیدگی قضایی یعنی رسیدگی‌های اجرایی و رسیدگی‌های مربوط

در زمینه هزینه‌های داورى است. «هزینه‌های رسیدگی داورى را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: هزینه‌های مربوط به مرجع داورى و هزینه‌های مربوط به وکلا، مشاوران حقوقى، کارشناسان و شهود» (سوبودا؛ کونستیر، ۲۰۱۶، ۴۳۲). چالش‌های اقتصادى در سیستم داورى مربوط به دو بخش میزان هزینه داورى (تعیین حق‌الزحمه داور) و محل تأمین هزینه داورى است. «در خصوص محل تأمین هزینه‌های داورى شایان ذکر است تمایل دیوان‌های داورى بر این است که در صورت فقدان توافق میان طرف‌ها هزینه‌های داورى محکوم‌له را از محکوم‌علیه بستانند» (برن، ۲۰۱۴، ۳۰۹۶). «خوانده می‌تواند پس از طرح دعوا از دیوان داورى بخواهد که دستور موقتی مبنی بر اخذ تأمین از خواهان در قبال هزینه‌های داورى را که او متحمل شده است، صادر کند تا بتواند پس از پیروزی در دعوا، هزینه‌های خود را از محل آن دریافت کند. البته، صدور چنین دستور موقتی که مانع طرح دعاوى واهی می‌شود، در صورتى در پرونده داورى توجیه‌پذیر است که بر طبق موافقت‌نامه داورى یا قانون حاکم بر داورى، خواننده پیروز امکان مطالبه هزینه‌های داورى از خواهان را داشته باشد. در خصوص اختیار دیوان داورى برای صدور چنین دستور موقتی باید گفت که فارغ از تصریح به این اختیار در قواعد مراجع داورى و پذیرش آن در رویه داورى بین‌المللى، اختیار دیوان‌های داورى در صدور دستور موقت را باید شامل اخذ تأمین برای این هزینه‌ها نیز تلقى کرد» (هاروود و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۰۶).

در زمینه هزینه‌های داورى چنانچه طرفین در خصوص هزینه‌های داورى توافقى به عمل آورده باشند، همان توافق معتبر است. پس اگر طرفین موافقت کرده باشند که میزان اجرت داورى یا سهم هریک توسط خود داور معین شود، بر همان اساس عمل می‌شود. در واقع براساس ماده ۵۰۰ ق.آ.د.م: «چنانچه بین داور و اصحاب دعوا، قراردادی در خصوص میزان حق الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد». لحن مطلق این ماده مبین آن است

در زمینه هزینه‌های داورى است. «هزینه‌های رسیدگی داورى را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: هزینه‌های مربوط به مرجع داورى و هزینه‌های مربوط به وکلا، مشاوران حقوقى، کارشناسان و شهود» (سوبودا؛ کونستیر، ۲۰۱۶، ۴۳۲). چالش‌های اقتصادى در سیستم داورى مربوط به دو بخش میزان هزینه داورى (تعیین حق‌الزحمه داور) و محل تأمین هزینه داورى است. «در خصوص محل تأمین هزینه‌های داورى شایان ذکر است تمایل دیوان‌های داورى بر این است که در صورت فقدان توافق میان طرف‌ها هزینه‌های داورى محکوم‌له را از محکوم‌علیه بستانند» (برن، ۲۰۱۴، ۳۰۹۶). «خوانده می‌تواند پس از طرح دعوا از دیوان داورى بخواهد که دستور موقتی مبنی بر اخذ تأمین از خواهان در قبال هزینه‌های داورى را که او متحمل شده است، صادر کند تا بتواند پس از پیروزی در دعوا، هزینه‌های خود را از محل آن دریافت کند. البته، صدور چنین دستور موقتی که مانع طرح دعاوى واهی می‌شود، در صورتى در پرونده داورى توجیه‌پذیر است که بر طبق موافقت‌نامه داورى یا قانون حاکم بر داورى، خواننده پیروز امکان مطالبه هزینه‌های داورى از خواهان را داشته باشد. در خصوص اختیار دیوان داورى برای صدور چنین دستور موقتی باید گفت که فارغ از تصریح به این اختیار در قواعد مراجع داورى و پذیرش آن در رویه داورى بین‌المللى، اختیار دیوان‌های داورى در صدور دستور موقت را باید شامل اخذ تأمین برای این هزینه‌ها نیز تلقى کرد» (هاروود و همکاران، ۲۰۱۷، ۱۰۶).

از جمله مواردی که طرفین داورى می‌توانند با اتکا به اصل حاکمیت اراده، در خصوص میزان و نحوه آن توافق کنند، هزینه‌های مرتبط با داورى به

که طرفین می‌توانند به مبلغی بیش از تعرفه قانونی توافق کنند یا اینکه خود داور نیز می‌تواند اجرت داوری را بیش از نرخ قانونی تعیین نماید. در داوری‌های داخلی مقنن طی مواد ۴۹۷ الی ۵۰۰ ق.آ.د.م به مبحث حق الزحمه داوری پرداخته شده است. حال آنکه متأسفانه در قانون داوری تجاری بین‌المللی راجع به نحوه و پرداخت هزینه‌های داوری سخنی به میان نیامده است. در داوری‌های داخلی، اگر ترتیبی در خصوص میزان حق الزحمه داور پیش‌بینی نشده باشد، اجرت داوری براساس آئین‌نامه حق الزحمه داوری موضوع ماده ۴۹۸ ق.آ.د.م تعیین می‌شود. آئین‌نامه‌ای که هم‌اکنون قابل اجرا می‌باشد، در سال ۱۳۸۰ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است. در داوری‌های تجاری بین‌المللی با وجود عدم وجود نص قانونی، دو طرف مختارند با توافق، خواه به صراحت در قرارداد اصلی و یا بخشی از موافقت‌نامه مستقل داوری، نحوه تخصیص هزینه‌ها را مشخص کنند. معمولاً توافق طرفین بدین نحو است که هریک از دو طرف هزینه‌های خود را متقبل و هزینه‌های اداری بین آن‌ها تقسیم می‌شود. البته میزان آزادی اراده دو طرف در این خصوص تا حدودی به قواعد مؤسسه داوری و قانون ماهوی حاکم بر داوری بستگی دارد.

## ۶. نتیجه

شرط داوری به عنوان شرط مستقل (صرف نظر از قانونی و قراردادی)، با وجود ظاهر ضمن عقد بودن، دارای هویتی مستقل و دارای اعتبار است و از حیث استقلال، یک عمل حقوقی مستقل محسوب می‌شود. در این میان چالش‌هایی در هنگام صدور رای و اجرای رأی صادره ممکن است پیش آید که پژوهش حاضر با هدف بررسی

چالش‌های حقوقی سیستم داوری در نظام حقوقی ایران در دو بخش زیر شکل گرفت: (۱) چالش‌های انجام داوری شامل رسیدگی تا صدور رأی داوری (۲) چالش‌های اجرای رأی داوری است که توسط محکوم‌علیه اجرا می‌گردد. بر این اساس نتایج مرور نظام‌مند نشان داد چالش‌های انجام داوری شامل رسیدگی تا صدور رأی داوری عبارتند از: (۱) چالش مربوط به تعداد داوران (۲) عدم برابری داوران از نظر شکل و ماهوی در داوری‌های گروهی (۳) علی‌رغم تبعیت نظام حقوقی ایران از قوانین اسلامی چرا در خصوص قلمرو داوری بین فقها و آنچه که در نظام حقوقی و آیین‌نامه‌ها مطرح شده است اتفاق نظر وجود ندارد. همچنین چالش‌های اجرای داوری عبارتند از: (۱) عدم وجود نهاد خاص برای اجرای احکام صادره توسط داور یا داوران (۲) وابسته بودن نهاد داوری برای اجرا به اجرای احکام دادگستری (۳) نیز عدم وجود نهاد تجدیدنظر در خود موسسات داوری (۴) چالش مربوط به شرایط داوری. به این ترتیب که داوری یا اختیاری است یا اجباری. که هر دو از نظر شرایط و صفات با هم متفاوت هستند. در داوری اختیاری با اینکه داور دارای شرایط و اهلیت نباشد باز احکام آن برای طرفین قابل اجرا و لازم‌الاجرا می‌باشد. ولی در داوری اجباری یا داور توسط مؤسسه داوری باید هم دارای اهلیت لازم و هم صفات لازم باشند که در صورت عدم شرایط مطروحه آراء صادره باطل می‌شود. چالش‌های اقتصادی مربوط به سیستم داوری شامل موارد زیر است: (۱) محل تأمین هزینه‌های داوری (۲) میزان حق الزحمه داور. از آنجایی که برخی از چالش‌ها هم در مرحله صدور و هم در مرحله اجرای رأی پابرجاست

## ۷. سهم نویسندگان

تمامی نویسندگان بصورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

## ۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

## منابع

### منابع فارسی

- احمدی، علی؛ رستمی‌فر، علی، «چالش‌های رأی داورى و عدم قابلیت اجرای رأی در نظام حقوقی ایران»، قشّم، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی - حقوق - مطالعات اجتماعی و روانشناسی، ۱۴۰۰.
- اعظم، انصاری؛ معبودی نیشابوری، رضا، «شرایط قرار تأمین هزینه‌ها در داوری تجاری بین‌المللی»، نشریه مطالعات حقوق خصوصی، شماره دو، ۱۳۹۸.
- امیرمعزی، احمد، داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۹۱.
- بهبهانی، محمدرحیم، «جایگاه نهاد داوری در حقوق ایران با رویکرد فقهی»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره هجده، ۱۳۹۵.
- دانای علمی، منیژه، «علل تحولات قانون‌گذاری و مدرن‌سازی نظام داوری در ساختارهای حقوقی ایران»، مجله قضاوت، شماره پنجاه و دوم، مرداد و شهریور ۱۳۸۷.
- دلایل اقتصادی کارایی داوری در نظام حقوقی ایران
- رضایی، علی، «مسئله هزینه‌ها در داوری‌های تجاری بین‌المللی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره سه، ۱۳۹۵.
- سلیمیان، ابوالفضل؛ احمدیان، سعید؛ افخمی مهرجردی، محسن، «ویژگی‌ها و خصوصیات رأی داور در حقوق ایران»، شیراز، اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و توسعه پایدار جامعه مدنی، ۱۳۹۴.
- شفیعی، مهدی، «چالش‌های فراروی نهاد داوری در نظام حقوقی ایران با تکیه به داوری بین‌المللی».
- عزیزبانی، مجید، «نقش حاکمیت اراده در تعیین شروط داوری (هزینه و ابلاغ و ضمانت اجرا در رویه قضایی)»، فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره نود و هشت، ۱۴۰۱.
- قاسمی، مهدی؛ اندرز، داود؛ واحدی زاده، جواد، «دلایل اقتصادی کارایی داوری در نظام حقوقی ایران»، مجله مطالعات فقه اقتصادی، دوره پنجم، شماره یکم، بهار ۱۴۰۲.
- کریمی، عباس؛ پرتو، حمیدرضا، حقوق داوری داخلی، چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۷.
- مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱.

### منابع عربی

- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، جلد چهارم، چاپ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸.

### منابع لاتین

- Born, Gary B, International Commercial Arbitration, 2nd Edition, New York, Publisher Kluwer Law International, 2014.
- Harwood, Miriam K; Batifort, Simon N; Trahanas, Christina, Third-Party Funding Security for Costs and other Key Issues (The Investment Treaty Arbitration Review), 1st Edition, London, Published in the United Kingdom by Law Business Research Ltd, 2017.
- Svoboda, Ondrej; Kunstyr, Jan, «Third Party Picks Up the Bill? Costs Issues Relating to Third Party Funding in Investment Arbitration», Journal of CYIL, No. 7, 2016.

